



## بایگاہ تفسیر آیات الأحكام در علم تفسیر

وحیده حمامی  
کارشناسی ارشد علوم قرآنی

### چکیده

تفسیر آیات الاحکام، به عنوان شاخه ای از علم تفسیر، هم زمان با نزول قرآن، مورد توجه پیامبر (ص)، صحابه و دیگر مفسران قرار گرفت. به گونه ای که می توان گفت، تاریخ تالیف در موضوع تفسیر آیات الاحکام، به سده دوم بر می گردد. تفسیر آیات الاحکام، همانند علم تفسیر، دارای روش و مبانی تفسیری است. با بررسی روش های تفسیری مشخص شد که روش تفسیری آیات الاحکام، «اجتهادی» است که مفسر، با تلاش علمی خود و نیز با تکیه بر معیار عقل و هم چنین با شناخت و رعایت مولفه ها و قواعد تفسیری و، فقهی به تفسیر آیات الاحکام می پردازد. بدون تردید، هر مفسری، با پذیرش مبانی فقهی و تفسیری خاصی، به تفسیر روی می آورد. در این جهت، مبانی تفسیر الاحکام را، می توان چنین برشمرد: پذیرش حجیت ظواهر، رعایت قواعد فقهی - تفسیری و نیز جواز فهم و تفسیر قرآن و... در این تحقیق، به توضیح موارد یاد شده پرداخته می شود.

کلید واژه ها: آیات الاحکام، تفسیر آیات الاحکام، تفسیر، مفسران.

## پیش‌گفتار

تفسیر قرآن، روشی است در جهت روشن ساختن معنا و مفهوم آیات قرآن کریم. در این روند، مفسر در جهت توضیح و تبیین الفاظ و عبارات قرآن کوشش دارد، تا مراد از الفاظ آشکار گردد. بدون تردید، تفسیر آیات الاحکام، به عنوان بخش تأثیر گذاری از علم تفسیر، از اهمیتی دو چندان برخوردار است، به گونه ای که از آغاز نزول قرآن، از سوی پیامبر (ص) و اصحاب، مورد توجه قرار گرفت. تفسیر آیات الاحکام، کوششی است برای استنباط احکام شرعی، احکامی که چند و چون عمل مکلف را مشخص کند. در طول تاریخ، مفسران فریقین، سعی داشتند تا با بررسی و تفسیر آیات مربوط به احکام و نیز، با تکیه بر اصول فقهی و تفسیری مورد پذیرش خویش، آثار جداگانه ای در این رشته، تنظیم و تدوین کنند. به گونه ای که ما شاهدیم، از سده دوم تاکنون، نوشتارهای گوناگونی، در موضوع آیات الاحکام، فراهم آمده است. در این مقاله برآنیم، که پس از ارائه تعریف و بیان ویژگی های تفسیر آیات الاحکام، به چگونگی روش تفسیری و نیز، برخی از مبانی تفسیر آیات الاحکام پرداخته شود، تا بدین ترتیب، جایگاه تفسیر آیات الاحکام، بیش از پیش، روشن گردد.

## تعریف تفسیر آیات الاحکام

برای شناخت معنای تفسیر آیات الاحکام، نخست، اشاره ای به معنای تفسیر، از نظر لغوی و اصطلاحی داشته و سپس، تعریف آن را به دست خواهیم داد.

## تفسیر در لغت

تفسیر، مصدر باب تفعیل و در لغت، به معنای «بیان»<sup>۱</sup> است، و نیز به معنای «روشن ساختن و آشکار کردن»، «اظهار معنای معقول»<sup>۲</sup> آمده، «کشف مراد از لفظ مشکل»،<sup>۳</sup> «توضیح، تبیین و تفصیل کردن» و مانند آن نیز بیان شده است.

## تفسیر در اصطلاح

برخورد مفسران فریقین، در ارتباط با تعریف اصطلاحی تفسیر، دو گونه است. برخی مفسران فریقین، هم چون شیخ طوسی<sup>۴</sup> و زمخشری،<sup>۵</sup> تعریفی برای تفسیر به دست نداده‌اند. و برخی درصدد تعریف تفسیر قرآن برآمده و آن را، به معنای «کشف مراد، از لفظ مشکل قرآن»،<sup>۶</sup> «بیان معنای آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن‌ها»،<sup>۷</sup> «فهم معنا و بیان مراد خدواند به میزان طاقت بشر»، «شناخت احوال قرآن، از حیث دلالت بر مراد خدا به اندازه توانمندی بشر»،<sup>۸</sup> «علم به سبب نزول آیات و علم به مراد خدا از آن لفظ»،<sup>۹</sup> «کشف و بیان مراد از الفاظ، اعم از این که، لفظ، مشکل باشد یا نه»، «علم به نزول و شوؤن و قصص آیات و اسباب نزول آن‌ها دانسته‌اند». <sup>۱۰</sup>

چنان که به چشم می‌خورد، دانشمندان فریقین، معنای یکسانی از تفسیر به دست نداده‌اند. آن چه می‌توان از دیدگاه آنان، به عنوان نقطه‌های مشترک، در معنای تفسیر (لا اقل، در معنای شایع آن) محسوب کرد و آن را در شمار شاخصه‌های تفسیر آورد، شامل دو بخش اساسی است؛ یکی، این که تفسیر در حوزه الفاظ و ظواهر قرآن برای درک مراد خداست. و دیگر آن که، تفسیر، در جایی صدق می‌کند که نوعی ابهام و خفا، در کلام به کار رفته و مفسر، درصدد پرده برداری و نیز، کشف از مقصود خداوند برمی‌آید. <sup>۱۱</sup>

ارائه تعریف: بدون شک، آن چه در بیان تعریف اصطلاحی تفسیر گفته شده، در معنای تفسیر آیات الاحکام، نهفته است، بنابراین، در تعریف تفسیر آیات الاحکام، می‌توان چنین گفت: «توضیح و تبیین معنای آیات الاحکام و کشف مراد خدا از آیات الاحکام، به منظور دست یابی به حکم شرعی».

## اهمیت تفسیر آیات الاحکام

پاره‌ای از آیات قرآن کریم، درباره آیات الاحکام می‌باشد. یعنی؛ آیاتی که بیان‌کننده احکام شرعی مختلف، در موضوع‌های گوناگون، هم چون طهارات، عبادات، معاملات و... است که هر یک، دارای جامعیت و گستردگی در ابعاد مختلف است. <sup>۱۲</sup> گفتنی است که فهم محتوای این گونه آیات، بیش‌تر آسان است. اما، در کم و کیف اجرای دستورات آن، باید به سنت مراجعه شود. طبعاً، در مقام استنباط احکام و فهم و برداشت از آن، می‌باید به سنت

و سیره پیامبر (ص) و نیز، ائمه معصوم (ع) رجوع کرد و مصادر تشریح را در رأس قرار داد، تا از هر گونه اشتباه و انحراف مصون ماند و به تفسیر درست از آیات دست یافت. از آن جا که تفسیر آیات الاحکام، در آمدی بر استخراج حکم فقهی است، بسیار شایان اعتناست.

بنابراین، فهم مسائل فقهی و حقوقی، از آیات قرآن کریم، بخشی از تفسیر قرآن است. اما، نه فقه محض است و نه تفسیر محض؛ زیرا، اگر از زاویه فقه به قرآن بنگریم، فقه قرآنی محض است. و اگر، از زاویه تفسیر قرآن، به فقه بنگریم، تفسیر فقهی محض شناخته می شود. از سوی دیگر، هیچ مفسری، هنگام تفسیر آیات مربوطه نمی تواند، تا انتهای راه پیش رفته و فقه مسائل را، از تمام ابعاد بررسی کرده و به فروع و جزئیاتی که در دیگر منابع فقه آمده به تفسیر قرآن پردازد. در آن سو، یک فقیه مفسر نیز، به تفسیر همه جانبه آیه نمی پردازد، چرا که وی در صدد تفسیر قرآن نیست، تا بخواهد، مراد آیه را از جهات غیر فقهی نیز بداند، بلکه، به دنبال استنباط فقه و مسائل حقوقی، از آیات قرآن است. ۱۳

مفسر، در استنباط احکام فقهی، به قرآن رجوع کرده و با تفسیر آیات و هم چنین، به کمک روایات، به اجتهاد پرداخته و احکام را استخراج می کند. بنابراین، در تفاسیر فقهی، همت و اجتهاد بیش تر مفسران، در عرصه شناخت و دست یابی به احکام فقهی الهی، از آیات قرآن است. مفسر، در این شیوه تفسیری، فقط به تفسیر عمومی آیات الاحکام نپرداخته، بلکه مباحث فقهی قرآن و نیز، نکته های پنهان در آیه را بررسی و بیان می کند. در این نوشتار، پس از آشنایی اجمالی، با چگونگی تفسیر آیات الاحکام، در ادامه، به بیان برخی ویژگی های تفسیر آیات الاحکام خواهیم پرداخت، تا شناخت افزون تری نسبت به موضوع مقاله، فراهم آید.

### ویژگی های تفسیر آیات الاحکام

با توجه به آن چه گفته شد، اجتهاد مفسران آیات الاحکام، بر تفریح فروع فقهی و استفاده از آیات قرآن، در بیان حکم شرعی است. بنابراین، مفسر در گرایش فقهی، به عناصر زیر توجه بیش تری دارد:

۱. مفسر، به تفسیر آیاتی می پردازد که احکام فقهی، در عرصه زندگی بشر داشته و تکلیف انسان را، به شکل های واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح، در ابواب گوناگون

فقهی بیان می کند .

۲ . همت مفسر ، استنباط احکام شرعی فرعی و عملی ، از آیات قرآن است .

۳ . در جهت ، مفسر آیات الاحکام ، مجتهد در فقه بوده و در نهایت ، فتوای خویش را به دست می دهد .

۴ . مفسر در این گرایش ، با روش فقهی ، مسائل را تجزیه و تحلیل کرده و از کتاب ، سنت ، عقل و اجماع بهره می برد .

۵ . تفسیر فقهی ، براساس مبانی ای که مفسر در فقه و اصول مذهب خویش برگزیده است متنوع گشته و بهره های گوناگون به دست می دهد . براین پایه ، گرایش فقهی مختلف مذاهب ، که عبارتند از گرایش های فقهی شیعه ، شافعی ، مالکی ، حنفی ، و حنبلی ، پدید می آیند .

۶ . ماهیت تفسیر آیات الاحکام ، در حقیقت ، تبیین مهم ترین مصدر تشریح و نیز ، مهم ترین منبع احکام است .

۷ . ماهیت تفسیر آیات الاحکام ، به لحاظ اسلوب ، از جهتی ، تفسیر موضوعی است و از جهت دیگر ، تفسیر ترتیبی . چون ، آیات قرآن ، از نظر محتوا و موضوع به دسته های زیر : معارف و عقاید ، تهذیب و اخلاق ، علوم و فنون ، تاریخ و قصص و احکام تقسیم می شود . فقه القرآن ، عهده دار گروه دسته است . هرچند ، تمام آیات فقهی ، به عنوان موضوع عام بوده ، و آیات مربوط به عنوان های محدودتری ، مانند نماز ، حج و جهاد ، موضوع خاص تلقی می شود . با توجه به این ویژگی که از تفسیر آیات الاحکام مطرح شد در ادامه ، با تفصیل بیش تر ، این موضوع را پی خواهیم گرفت .

### تفسیر آیات الاحکام ، مصداقی از تفسیر موضوعی

گستره نگارش و اندیشه تدوین ، در تفسیر موضوعی قرآن ، عمری به اندازه تفسیر قرآن داشته و از دیر باز ، آثار مدونی از فرهیختگان قرآن پژوه ، بر جای مانده است . بدون تردید ، تفسیر موضوعی ، حرکتی فعال و هدف مند است که در نتیجه آن ، متن قرآن ، در یکی از عرصه های زندگی به کار گرفته می شود . برای شناخت بیش تر نیاز است ، نخست ، تفسیر موضوعی را تعریف کرده و سپس ، به توضیح موضوعی بودن تفسیر آیات الاحکام پردازیم :

## تعریف تفسیر موضوعی

تعریفی که برخی معاصران، از تفسیر موضوعی به دست داده‌اند، این است: «جمع آوری روش مند آیات، از سراسر قرآن مجید که از موضوع یا موضوع‌های زندگی عقیدتی، اجتماعی، جهانی و... سخن رانده و هدف واحدی دارند. با دقت در ترتیب آیات، برحسب نزول و نیز، توجه به سیاق و نظم حاکم بر آیات، بدون تقطیع آیات، با احاطه کامل به تمام آیات قرآنی و در نهایت، بیان دیدگاه قرآن، در آن موضوع‌ها، به اندازه توانمندی مفسر در درک آن».<sup>۱۴</sup>

برخی دیگر، بر این باورند که در تفسیر موضوعی، آیات قرآن تقطیع نشده و بررسی آیات به صورت آیه به آیه انجام نمی‌گیرد، بلکه مفسر موضوعی می‌کوشد، تا تحقیقات خود را روی یک موضوع از موضوعات زندگی متمرکز ساخته و درباره آن از قرآن استفاده کند. برای مثال، عقیده به توحید، یا سنت‌های تاریخ را در قرآن به دست آورد.<sup>۱۵</sup>

از دیدگاه آیت الله معرفت، تفسیر موضوعی دو گونه می‌باشد؛ نخست آن که مفسر یکایک مسائل مطرح شده در قرآن را بیرون آورده و سپس، آیات مربوط به هر یک را در یک جا گرد آورده و در نگاهی فراگیر، موضوع را بررسی کند. بدین گونه، مسائل برگرفته از قرآن، دسته بندی شده و به ترتیب، مورد بحث قرار می‌گیرند.

در روش دیگر، مسائل را از متن واقعیت بر گرفته و نیازهای واقع در متن حیات را بررسی و گرد آوری کرده و سپس، پاسخ آن‌ها را از قرآن جستجو می‌کنیم؛ با این باور که قرآن همواره پاسخ‌گوی نیازهای روز است.<sup>۱۶</sup>

بنیاد تفسیر موضوعی، از منظر جعفر سبحانی، شامل دو بخش می‌باشد: (۱) تفسیر قرآن، با حوزه قرآن؛ نه با آرا و نظریه‌های کسانی که سخن و گفتار آنان، سندیت ندارد. (۲) تفسیر قرآن کریم، به شکل موضوعی؛ نه به صورت آیه به آیه و یا سوره به سوره.<sup>۱۷</sup>

با توجه به آن چه گفته شد، می‌توان گفت: تفسیر موضوعی، یعنی: «جمع بندی روش مند آیات، از جای جای قرآن مجید، در موضوعی خاص، بدون تقطیع آیات قرآنی، که برای بر طرف شدن نیازی، از نیازهای انسان انجام می‌گیرد».

تفسیر موضوعی، گرچه به قدمت تفسیر ترتیبی نرسیده و پس از ظهور تفاسیر روایی

و ماثور بروز کرده است، اما، همانند تفسیر ترتیبی آغاز شده است. در مرحله ابتدایی، با شرحی کوتاه در عرصه‌هایی، مانند احکام، به شکل آیات الاحکام، اسباب نزول آیات، آیات مربوط به عقائد، قصص، مثل‌های قرآنی و... به چشم می‌خورد. آن‌گاه به تدریج، تفسیر قرآن به قرآن و جمع بندی‌های موضوعی، در ذیل تفاسیر ترتیبی، در دوران معاصر رشد و تکامل یافته است. با نگاهی به تاریخ تفسیر موضوعی، به دست می‌آید که فقها از پیشگامان تفسیر موضوعی هستند. آنان، آیات مربوط به مسائل فقهی را مورد بحث قرار داده و آیات مربوط به هر یک از ابواب فقه را، از جای جای قرآن، کنار هم گذارده و مورد تأمل و دقت قرار داده‌اند.<sup>۱۸</sup>

با این توصیف، یکی از مصادیق تفسیر موضوعی، آثاری است که با عنوان «آیات الاحکام»، یا در احکام قرآن، نگاشته شده است. در این آثار، مجموع آیات فقهی در یک جا گرد آمده و پس از دسته بندی، بر پایه کتاب‌های فقهی تفسیر شده‌اند.<sup>۱۹</sup> نتیجه آن که، ممکن است تفسیر این دسته از آیات، به ترتیب آیه‌ها و چینش سوره‌های قرآن باشد، همان‌طور که اهل سنت، نام «احکام القرآن» و یا «آیات الاحکام» را بر آن نهاده‌اند و ممکن است به ترتیب مباحث فقهی صورت پذیرد، چنان‌که دانشمندان شیعه، بیش‌تر آثار خود را «فقه القرآن» نامیده‌اند.<sup>۲۰</sup>

به هر حال، در تفسیر آیات الاحکام، از آن جهت که فقط به تفسیر آیات مرتبط با احکام شرعی (تکلیفی یا وضعی) متعلق به عمل مکلفین پرداخته و بخشی از آیات قرآن را، مورد بررسی قرار می‌دهند، تفاسیر موضوعی به شمار می‌آیند.<sup>۲۱</sup> بنابراین، در تفسیر موضوعی، هر قرآن‌پژوهی بر حسب تخصص خویش، به تحقیق در موضوعی از موضوع‌های قرآن پرداخته و پس از جمع‌آوری و احصای آیات، در موضوع مورد نظر، و با توجه به منهج مربوط به آن، به تفسیر و تبیین آیات می‌پردازد. برای مثال، متخصص عقائد و کلام، آیات مربوط به عقائد را بررسی می‌کند و متخصص احکام، آیات الاحکام را.

بدون تردید، مفسر آیات الاحکام، می‌کوشد، تا مذهب فقهی خویش را درست جلوه داده و برای تأیید رأی خود، به دلایل قرآنی تمسک جوید؛ به گونه‌ای که هر تفسیری، محلی برای ارائه فتاوی مذهبی مؤلف بوده و وسیله‌ای برای اثبات و رد آرای عالمان باشد.

بدین ترتیب، در طول تاریخ، کتب تفسیری بسیاری در موضوع آیات الاحکام، پدید آمده که تحت تأثیر مذهب فقهی مؤلف بوده است. برای مثال، «احکام القرآن»، اثر جصاص، به عنوان تفسیر موضوعی حنفیه، «فقه القرآن»، تالیف قطب الدین راوندی، به عنوان تفسیر موضوعی شیعه، «الجامع لاحکام القرآن»، از قرطبی، به عنوان تفسیر موضوعی در مذهب مالکی، «الاکلیل فی المتشابه و التنزیل»، از احمد بن تیمیه، به عنوان تفسیر موضوعی حنابله، «احکام القرآن» ابی الحسن الطبری، معروف به الکیا الهراسی، به عنوان تفسیر موضوعی شافعیه و... به شمار می آیند. ۲۲

### روش اجتهادی، در تفسیر آیات الاحکام

برای شناخت چگونگی روش تفسیری، در تفسیر آیات الاحکام، نخست «روش تفسیری» و «تفسیر اجتهادی» را تعریف می کنیم:

#### روش تفسیری

روش تفسیری، عبارتست از: «مستند یا مستندهایی که مفسر براساس آن کلامی را خوب پرداخته و به عنوان تفسیر کلام خدا و مقصود آیات الهی قلمداد می کند. از طرفی، او فقط راه دست یابی کامل به مقاصد قرآن را، همان مستند یا مستندها می شمارد و دیگر مبانی و روش ها را تخطئه کرده و آن ها را، برای رسیدن به مفاهیم و مقاصد آن بسنده نمی داند». در بیان نوع روش تفسیر آیات الاحکام گفته شده که تفسیر آیات الاحکام، یا تفسیر فقهی، ازگونه تفسیر اجتهادی است.

اینک، نخست تفسیر اجتهادی را تعریف کرده و سپس، اشاره ای کوتاه به چگونگی این روش تفسیری خواهیم داشت تا در نهایت، روش اجتهادی در تفسیر آیات الاحکام روشن گردد.

#### تفسیر اجتهادی

معنای لغوی و اصطلاحی اجتهاد، از سوی عالمان لغت و اصول، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. علی اکبر بابایی در تعریف تفسیر اجتهادی، چنین می گوید:



«اجتهاد در تفسیر، تلاش برای فهم و تبیین معانی و مقاصد آیات، براساس شواهد و قرائن معتبر است». بر پایه این تعریف، تفسیر اجتهادی نظریه‌ای است که چنین اجتهادی را در تفسیر آیات قرآن، جایز، بلکه ضروری می‌داند. ایشان، در ادامه می‌افزاید: مکتب اجتهادی، در مقابل مکتب روایی محض و مکتب باطنی محض قرار داشته و هر مکتب و نظریه‌ای که اجتهاد در تفسیر آیات را به هر گونه، جایز یا لازم بداند، مکتب اجتهادی است. بدین سان، تفسیرهایی، هم چون تفسیر طبری، تفسیر صافی، تفسیر کبیر و... در گروه تفسیر به مآثور، به شمار می‌آیند و در برابر تفسیر اجتهادی قرار گرفته‌اند، در حالی که این گونه تفاسیر نیز، از تفاسیر اجتهادی به شمار می‌آیند. زیرا، مؤلفان آن‌ها نیز، در تفسیر آیات اجتهاد کرده‌اند، هر چند بیش تر آنان در فهم و تبیین معنای آیات، از روایات، بیش از منابع دیگر کمک گرفته‌اند. ۲۳

بنابراین، گروهی از مفسران در برابر روش تفسیر به مآثور، برآن شدند که می‌بایست برای خود و اجتهاد مفسر، در فهم و تفسیر آیات، سهم بیش تری در نظر گرفت. آنان بدین منظور، روش اجتهادی و عقلی را بنیان نهادند. قرآن از دیدگاه اینان، تحمل معانی و مفاهیم اجتهادی فراوانی را داشت. چنان که از پیامبر (ص)، نقل شده بود: «القرآن ذلول ذو وجوه فاحملوه علی احسن الوجوه؛ قرآن رام بوده و دارای وجوه فراوانی است آن را به بهترین وجه حمل کنید». و بدین ترتیب، تفسیر اجتهادی مورد توجه قرار گرفت. ۲۴

با نگاهی به تاریخ تفسیر و آرای مفسران صحابه و تابعین پی می‌بریم که مکتب اجتهادی بیش ترین طرفدار را داشته است. و بیش تر کسانی که در صدد فهم و تبیین معنای قرآن بر آمده‌اند، به گونه‌ای در تفسیر آیات، اجتهاد کرده‌اند، هر چند اجتهاد آنان متفاوت بوده است. اما، همه آنان نوعی اجتهاد در تفسیر را جایز دانسته و نتیجه آن را قابل اعتماد و احتجاج شمرده‌اند. مخالفان این مکتب کسانی‌اند که در تفسیر به مکتب روایی محض یا مکتب باطنی محض قائل بوده‌اند و بیش تر دلایل آن‌ها بر منع اجتهاد در تفسیر، همان دلایلی است که برای اثبات مکتب خود، به آن‌ها استدلال کرده‌اند.

دلایل مخالفان مکتب اجتهادی، عبارتند از: ۱. تفسیر اجتهادی نسبت دادن معنا به خدا بدون علم است. ۲. تبیین قرآن، ویژه پیامبر (ص) است. ۳. روایات تفسیر به رأی. ۴. سیره صحابه و تابعین. و دیگر دلایل که علی اکبر بابایی آن‌ها را نقد و بررسی کرده

است. <sup>۲۵</sup> از طرف دیگر، برای جواز یا لزوم تفسیر اجتهادی، به دسته‌ای از آیات و روایات و دلایل عقلی استدلال کرده‌اند. این دلایل عبارتند از:

۱. آیات قرآنی شامل؛ آیه ۳۸ سوره نساء، آیه ۲۴ سوره محمد.
۲. روایات؛ مثل روایت پیامبر (ص): «فاذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن» و «القرآن ذلول ذو وجوه فاحملوا علی احسن الوجوه».
۳. سیره عقلا. <sup>۲۶</sup>

اما، آن چه از مجموع دلایل دو دسته موافق و مخالف، می‌توان نتیجه گرفت، این است که تفسیر آن چه که به صورت قطعی، به خداوند نسبت داده می‌شود، باید متکی بر علم باشد. از این رو، نمی‌توان آن چه که صرفاً بر ظن یا هوس متکی است، به طور قاطع، به خداوند نسبت داد. یعنی، باید نوعی تلاش علمی، برای پی بردن به معنا و مفهوم آیات صورت گیرد.

مفسر، می‌تواند آن چه را در مسیر تدبر در قرآن، به ذهنش رسیده است، به صورت احتمال بیان کند. نکته دیگر آن که با این معیار چه بسا مطالبی را که از طریق اخبار به عنوان تفسیر قرآن بیان شده و متکی به قرائن قوی نیست، نمی‌توان به عنوان مراد خداوند عرضه کرد. سوم، آن که، به طور بدیهی، مواردی از آیات قرآن که علم آن جز از طریق دین به دست نمی‌آید، مانند احکام شرعی، قصص تاریخی و... هر گونه اظهار نظر غیر متکی بر نقل صحیح و اطمینان آور، تفسیر به رأی مذموم، محسوب شده و به طور قطع مجاز نیست. <sup>۲۷</sup> بدین سان، تفسیر اجتهادی، افزون بر درایت و عقل، بر روایت و نقل نیز استوار بوده و معیار سنجش و بررسی در آن، اندیشه و تدبر است. با توجه به این که زمینه لغزش در این عرصه فراوان است، احتیاط و دقت نظر، امری ضروری است. <sup>۲۸</sup>

با توجه به آن چه گفته شد، به دست آمد که روش اجتهادی، در طی سده‌های دراز، در میان مفسران قرآن معمول بوده، گرچه در کیفیت اجتهاد در تفسیر قرآن، تفاوت‌هایی وجود داشته است. اما، روشی که در تفسیر آیات الاحکام به کار گرفته شده، همان روش اجتهادی است که در آن مفسر با استمداد از اصول و قواعد فقهی و تفسیری و هم چنین، با تکیه بر مبانی و اصول مربوط به آیات الاحکام، به تفسیر می‌پردازد. مفسر در این روش، سعی دارد بر اساس شواهد و قرائن معتبر، برای فهم و تبیین مقاصد آیات الاحکام تلاش کند. او

در مسیر تلاش علمی خویش، از ابزارهای روایی، فقهی و... استفاده کرده و نظر تفسیری خود را که تحت تأثیر مذهب فقهی اوست بیان می‌کند.

### مبانی تفسیر آیات الاحکام

برای دست‌یابی به احکام قرآن، باید مبانی لازم آن رعایت شود، در غیر این صورت، یا اصلاً قرآن تبیین فقهی نمی‌شود، یا نمی‌توان به حکم درستی از آن رسید، و یا به «تفسیر به رای» منتهی می‌شود.

نظریات گوناگونی در تعریف مبانی تفسیر آمده است که در ادامه، به دو مورد از آن اشاره می‌شود:

۱. در مبانی تفسیر، از اصول بنیادینی سخن گفته می‌شود که هر گونه موضع‌گیری در خصوص آن‌ها، موجودیت تفسیر و یا قواعد روش تفسیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مباحثی، از قبیل اعجاز قرآن، ابعاد قرآن، مصونیت قرآن، امکان دست‌یابی به مراد خداوند و زبان قرآن، از مبانی تفسیر به شمار می‌آیند. ۲۹

۲. مبانی تفسیر قرآن، به آن دسته از پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی، گفته می‌شود که مفسر با پذیرش آن به تفسیر قرآن می‌پردازد. ۳۰  
برپایه این تعاریف، مبانی تفسیر آیات الاحکام را، می‌توان این گونه تعریف کرد: آن دسته از پیش‌فرض‌ها و اصول بنیادین علمی، فقهی و تفسیری که موجودیت تفسیر آیات الاحکام را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مفسر آیات الاحکام، با پذیرش آن‌ها به تفسیر آیات الاحکام می‌پردازد.

برخی از این مبانی، عبارتند از: اعتقاد به اعجاز قرآن، مصونیت قرآن از تحریف، جواز فهم و تفسیر قرآن، حجیت ظواهر و رعایت قواعد فقهی و تفسیری که در ادامه، به توضیح سه مورد یاد شده می‌پردازیم:

### الف) جواز فهم و تفسیر قرآن

مقصود از جواز و عدم جواز تفسیر، آن است که آیا فهم و تفسیر قرآن کریم، ویژه پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) است، یا این که دیگران نیز، به فراخور توانایی‌های خویش و با شرایط معینی مجازند به تفسیر آیات، پردازند.

در دیدگاهی که نزدیک به اتفاق دانشمندان مسلمان، آن را پذیرفته اند جواز تفسیر قرآن، برای غیر معصومان است. در برابر این دیدگاه، جمعی استنباط و استفاده همه معارف و احکام دین، و یا استنباط احکام نظری دین را، از ظواهر قرآن، بدون بیان معصومان<sup>(ع)</sup> جایز نمی دانند. این گروه، برای اثبات ادعای خود، دلائلی آورده اند که مهم ترین آن ها، روایات نکوهش کننده از تفسیر به رأی است.<sup>۳۱</sup>

از دیگر دلایل آنان، مجموعه روایاتی است که بیش تر آن ها فاقد اعتبار بوده و برداشت این گروه، از روایات بر اثر عدم توجه، به مفهوم و قرائن روایات است. اخباریان نیز، بر این باورند که تفسیر قرآن کریم، بدون نصی از ائمه، ناممکن است. براساس این بینش، هر گونه تفسیر قرآن، حتی تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر به رأی شمرده می شود.

اما، این دیدگاه افزون بر این که بهره ای جز تعطیل آیات ندارد، با خود قرآن نیز سازگار نیست. چون، قرآن به تعبیر خودش «...هدی للمتقین...» (بقره، ۲/۲)، برای هدایت همگان است و خود نیز، به تدبیر در آن سفارش کرده است: «...لیدبروا آیاته...» (ص، ۲۹/۳۸). بی شک، وقتی قرآن به تفکر و تعقل و تدبیر سفارش می کند، محصول تدبیر را نیز خواهد پذیرفت. در غیر این صورت، آن سفارش بیهوده است. چنان که خود قرآن، یهود را به دلیل اعتنا نکردن به فهم شان نکوهش کرده است.

با توجه به اصول مسلم هدایت گری قرآن - امر به تدبیر و پذیرش محصول آن - باید گفت که قرآن نیز مانند دیگر متون، برای کسانی که به زبان آن آشنا هستند قابل فهم است. حاصل فهم آنان نیز ارزشمند خواهد بود.<sup>۳۲</sup> بدون تردید، مفسر آیات الاحکام، می بایست جواز فهم و تفسیر قرآن را به عنوان مبانی، مورد پذیرش علمی قرار دهد، چرا که ممکن نیست حجم انبوه آیات الاحکام، بدون تفسیر باقی بماند.

### ب) پذیرش ظواهر و نیاز به تبیین (حجیت ظواهر)

از پایه های مهمی که برای فهم قرآن و رجوع به آن نقش اساسی دارد، پذیرش ظواهر آیات است، چنان که در هر متنی چنین است. بنابراین، اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن، از مبانی مهم تفسیری شناخته می شود.

آیت الله خوئی، در کتاب خویش «حجیت ظواهر» چنین آورده:

بدون تردید، قرآن کریم، کتابی است که ظاهر آن برای عموم مردمی که با زبان

عربی آشنایی دارند قابل فهم و درک است. و آن چه که مانند گفت گوهای معمولی و عرفی، از ظاهر قرآن فهمیده می شود، معمولا هدف و منظور پروردگار بوده و قابل عمل و اعتماد است. در هنگام احتجاج و استدلال و به دست آوردن احکام الهی و وظائف اخلاقی و امثال آن، می توان جدا گانه به همان معانی که از ظاهر آیات قرآن استفاده می شود، تکیه کرد و آن را مورد عمل و یا دلیل و مبنا قرار داد. مبنا قرار دادن معانی ظاهری قرآن را، حجیت ظواهر قرآن می نامند. از این رو است که می گوئیم، ظواهر قرآن، حجیت و مدرکیت دارد و می توان در موارد گوناگون، به معنای ظاهری آن تکیه کرده و آن را جدا گانه مورد عمل قرار داد و در گفتار و نظریه ها و استدلال های خویش به آن تمسک جست. زیرا، ظواهر قرآن برای عموم مردم، حجیت و مدرک می باشد. ۳۳

در بیان حجیت ظواهر، باید گفت: سیره و روش یاران امامان (ع)، بر این بوده که به ظواهر قرآن و سنت، عمل کرده و معنایی که از ظاهر لفظ بر می آمده مبنای فهم و درک قرآن و سنت قرار می داده اند. این روش آن ها، چیزی است که در تاریخ آشکارا به چشم می خورد. این، مقدمه اول دلائل حجیت ظواهر می باشد. ۳۴ اما مقدمه دوم، به این ترتیب است که این سیره و روش را، امامان شیعه (ع) می دیدند و می شنیدند، اما، هیچ گونه اعتراضی نسبت به آن نداشتند. همین سکوت و عدم اعتراض، دلالت دارد بر این که، سیره از نظر شرعی درست است؛ چرا که اگر درست نبود، امامان پیش گیری کرده و مخالفت می نمودند. با این بیان ثابت می شود، که آنان، روش مبتنی بر عمل به ظواهر را امضا و تایید کرده اند و معنای حجیت ظواهر همین است. ۳۵

آقای خوبی در کتاب خویش، پس از تعریف حجیت ظواهر و بیان حجیت ظواهر قرآن و پس از ارائه دلائل عقلی و نقلی حجیت ظواهر قرآن، چنین نتیجه گیری می کند که ظواهر قرآن حجت بوده و کاملا قابل اعتماد و مورد استناد می باشد. زیرا، قرآن، اساس محکم و خلل ناپذیر شریعت اسلام بوده میزان حق و باطل شناخته شده و نیز معیار صحیح از ناصحیح و تمام ارزش هاست. هر روایت و گفتاری با آن مخالف آید، از درجه اعتبار ساقط است و قابل عمل و اتکا نیست. ۳۶

بدین گونه، بیش تر علمای اصول و مفسران بر این باورند که ظواهر به خودی خود حجت و قابل استدلال هستند و این گونه نیست که برای هر کس جایز باشد، حتی بدون

سابقه علم وآگاهی، به ظواهر استدلال کند،<sup>۳۷</sup> بلکه، حداقل علوم ابتدایی و اولیه را نیاز دارد. هم چنان که برای فهم ظواهر قرآن، حداقل نیاز به آشنایی با زبان عربی دارد. اما، در باب این که، ظواهر قرآن حجیت داشته، و فقها و مفسران بدان استناد می کنند، شکی نیست. چنان که سید نعمت الله جزائری، می گوید:

فقیهان به جواز استنباط احکام از قرآن، فتوا داده و در مقام عمل نیز چنین کرده اند. آن چه از آیات و روایات که در ظاهر ناسازگار بوده کنار گذاشته و یا ظاهرش را توجیه کرده اند. هم چنین، کتاب هایی با عنوان آیات الاحکام نوشته و به مدد قواعد اجتهاد، اقدام به استنباط احکام کرده اند. بهره به دست آمده از سوی ایشان، این است که استنباط احکام، از نص قرآن یا ظاهر آن و یا فحوای به دست آمده، از آیات و غیر قرآن مجاز است، همان کاری که اهل اجتهاد (فقهای اصولی) انجام داده اند.<sup>۳۸</sup> اما، درباره عدم جواز تمسک به ظواهر قرآن، مادامی که به احادیث رسیده از پیامبر (ص) و جانشینان وی (ع) مراجعه نشده، نکته ای درست و غیر قابل انکار است. زیرا، توضیح و تفصیل جزئیات احکام شرعی که در قرآن، به صورت مجمل و مبهم یاد شده فقط در سخنان آن بزرگواران پیدا می شود.

هم چنان که شیخ حر عاملی، بر این نکته اشاره داشته و در کتاب خویش، بابی را با عنوان «عدم جواز استنباط الاحکام النظریه من ظواهر القرآن الا من بعد معرفه تفسیرها من الائم» آورده، و روایات بسیاری را در آن جمع آوری کرده که از آن فهمیده می شود وی، نیز استنباط احکام نظری را، از ظواهر آیات کریمه قرآن، بدون تفسیر امامان معصوم (ع) جایز نمی داند. یعنی، ایشان استنباط احکام از ظواهر قرآن را، مشروط به شناخت تفسیر و سیره ائمه می داند.

ایشان، در کتاب «الفوائد الطوسیه»، فائده ۴۸، در باب مفصلی، نخست استدلال آیات و روایاتی را از جانب مخالفان نظریه خود مطرح کرده و پاسخ داده است. سپس، به آیات و روایاتی بر پایه نظریه خود استدلال کرده است.<sup>۳۹</sup> از مجموع آن بحث، به دست می آید که وی، نصوص قرآن و ظواهری را که نصی (روایتی) موافق مضمون آن، یا در تفسیر آن رسیده باشد قابل استدلال دانسته و دلالت برخی آیات را آشکار و بی نیاز از تفسیر دانسته است. و اما، در موارد نیاز به تفسیر که بخش اعظم قرآن را از چنین موارد بر شمرده است، تفسیر با

عقل تنها، بدون کمک گرفتن از تفسیر معصومین (ع) را، تفسیر به رای خوانده است.<sup>۴۰</sup> محمد امین استرآبادی نیز، از کسانی است که پذیرش ظواهر و حجیت ظواهر قرآن را، از مبانی فقهی و تفسیر آیات الاحکام در گذشته و حال می‌داند. او بر این باور است که دیدگاه اخباریهای پیشین، درباره حجیت ظواهر قرآن، دیدگاهی درست است. زیرا، بر این باور بودند که از طرف خداوند، بر آن چه امت پیامبر (ص)، تا روز رستاخیز نیاز دارند، - حتی اموری از قبیل دیه خراش کوچک - دلیل قطعی آورده شده و حجم بزرگی از احکام که در احادیث پیامبر (ص) رسیده، یا همانند نسخ، تقیه، تخصیص، تاویل و...، که به قرآن و سنت مربوط می‌شود، همه و همه، در گنجینه معارف خاندان پاک پیامبر (ص) به امانت نهاده شده است. آیات قرآن، در بیش تر موارد و احادیث پیامبر (ص)، به گونه‌ای مجمل است که مردم عادی از آن بی‌خبر می‌باشند. از طرف دیگر، ما برای به دست آوردن احکام شرعی نظری، یعنی، احکامی که اجتهاد و استنباط آن‌ها ضروری است اعم از اصلی و فرعی، راهی جز احادیث ائمه نداریم. و تازمانی که احکام قابل اجتهاد، از طریق اهل بیت (ع) به ما رسیده باشد، نسبت به استنباط آن احکام، از کتاب و سنت، مجاز نیستیم، بلکه، باید در این گونه موارد توقف نموده و احتیاط ورزید.<sup>۴۱</sup> نتیجه آن که، ایشان نیز حجیت ظواهر را به عنوان مبانی تفسیر آیات الاحکام پذیرفته، اما، استناد به احادیث و سیره ائمه را ضروری می‌شمارد.

### ج) رعایت ضوابط و قواعد فقهی و تفسیری

از آن جایی که تفسیر آیات الاحکام، با دو شاخه تفسیر و فقه در ارتباط است، از این رو، کسی که می‌خواهد در وادی آیات الاحکام وارد شود، باید با مبانی و قواعد تفسیری، فقهی و شرایط هر دو آشنا باشد. شایان اعتنا است که قواعد تفسیری، عبارتند از: در نظر گرفتن قرائت درست، توجه به مفاهیم کلمات در زمان نزول، در نظر گرفتن قواعد ادبیات عرب، در نظر گرفتن قرائن (قرائن پیوسته لفظی، قرائن پیوسته غیر لفظی)، در نظر گرفتن انواع دلالت‌ها، احتراز از ذکر بطون برای آیات، توجه به مبنا بودن علم و علمی.<sup>۴۲</sup>

هم چنین، مفسر باید بر حوزه‌های مشترک هر دو علم،<sup>۴۳</sup> احاطه داشته باشد، تا بتواند با تکیه بر قواعد و اصولی که نیاز است، به تفسیر آیات بپردازد. بی‌گمان، کسی که از قواعد و اصول فقه و تفسیر آگاهی نداشته باشد، نمی‌تواند آیات الاحکام را به نیکی تبیین و تفسیر کند. رعایت اصول فقهی و تفسیری، مفسر را در تفسیر آیات یاری نموده و از خطا

باز می‌دارد. به نظر می‌رسد که غفلت از این اصول، عامل مهمی در ایجاد اختلاف‌های تفسیری به شمار می‌آید.

## نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، یافتن پاسخی برای این سوال است که «تفسیر آیات الاحکام، در علم تفسیر چه جایگاه و منزلتی دارد؟»، از این رو، سعی شد که نخست، تعریفی از تفسیر آیات الاحکام به دست داده شود. این امر، با برداشت از معنای لغوی و اصطلاحی تفسیر، فراهم آمد و تعریف آن بدین شکل بیان شد: «توضیح و تبیین معنای آیات الاحکام و کشف مراد خداوند، از این آیات، جهت یافتن حکم شرعی».

از طرف دیگر، در بیان اهمیت تفسیر آیات الاحکام، به برخی ویژگی‌های مهم آن، اشاره شد. از جمله؛ موضوعی بودن تفسیر آیات الاحکام، مرجعیت تفسیر آیات الاحکام به منظور استنباط احکام شرعی، عملی که تحت تأثیر اصول و مذهب فقهی است.

هم‌چنین، در ادامه، به معرفی اجمالی مفسران آیات الاحکام و آثار ایشان پرداخته شد. از آن جایی که تاریخ این مکتوبات به سده دوم برمی‌گردد، اهمیت آن، بیش از پیش بر خواننده روشن شد. پس از بررسی روش‌های تفسیری، به دست آمد که روش تفسیری آیات الاحکام، «اجتهادی» است، که مفسر با تلاش علمی خود نیز با تکیه بر معیار عقل و با استمداد از دیگر مؤلفه‌ها و قواعد تفسیری و فقهی، به تفسیر آیات الاحکام می‌پردازد. از طرف دیگر، مفسر آیات الاحکام با پذیرش مبانی فقهی و تفسیری ویژه‌ای، به تفسیر رو می‌آورد که آن‌ها عبارتند از: اعتقاد به اعجاز قرآن و مصونیت آن از تحریف، حجیت ظواهر، رعایت قواعد فقهی و تفسیری، جواز تفسیر قرآن، که در این جا فقط به توضیح موارد اخیر بسنده شد.



۱. فراهیدی، کتاب العین، ۲۴۷/۷.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن/۶۳۶.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۵۵/۵.
۴. الطوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱/ مقدمه.
۵. الزمخشری، محمود (معروف به جارالله)، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، ۱/ مقدمه.
۶. الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱/۳۹.
۷. الطباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱/۷.
۸. الذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ۱/۱۵.
۹. ابوالفتوح رازی، جمال الدین، تفسیر روح الجنان و روح الجنان.
۱۰. السیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ۲/ ۵۵۱.
۱۱. نجارزادگان، فتح الله، تفسیر تطبیقی ۲۳.
۱۲. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ۳۶۵/.
۱۳. میبیدی، محمد فاکر، رابطه قرآن و دانش فقه، مجله قرآن و علم، ۱/۱۸۹.
۱۴. یدالله پور، بهروز، مبانی و سیرتاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ۱۳/.
۱۵. همان/۱۴.
۱۶. معرفت، محمد هادی. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ۱۵/۵۳۶.
۱۷. سیحانی، جعفر، منشور جاوید قرآن، ۱/۱۷.
۱۸. معرفت، محمد هادی، ۲/۵۳۶.
۱۹. جلیلی، سید هدایت، تفسیر موضوعی/۳۷.
۲۰. طهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۱/۳۰۰.
۲۱. معرفت، محمد هادی، ۱/۲۲۸.
۲۲. علی الصغیر، محمد حسین، دراسات قرآنیه، ۱۲۴-۱۲۰.
۲۳. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، ۲/۱۰۸.
۲۴. مودب، سید رضا، روش های تفسیر قرآن/۲۱۱.
۲۵. بابایی، مکاتب تفسیری، ۱۱۶-۱۰۹.
۲۶. همان/۱۲۶-۱۲۵.
۲۷. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری/ ۹۱.
۲۸. معرفت، پیشین، ۲/۲۲۵.
۲۹. بابایی و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن/پیش گفتار.
۳۰. شاکر، مبانی و روش های تفسیری/۴۰.
۳۱. رجیبی، محمود، روش های تفسیر قرآن/۴۱-۵۶.
۳۲. نجارزادگان، فتح الله، تفسیر تطبیقی/۱۶.
۳۳. خوی، البیان فی تفسیر القرآن/۴۱-۵۶.
۳۴. قاضی، حسین، اصول فقه کاربردی، ۱/۱۱۶-۱۱۷.
۳۵. الصدر، محمدباقر، دروس فی علم الاصول، ۱/ ۱۸۵.
۳۶. خوی، البیان فی تفسیر القرآن/۲۸۷.
۳۷. المظفر، محمد رضا، اصول الفقه، الثانيه/۱۶۲.
۳۸. رساله منبع الحیاة/۴۷-به نقل از معرفت، ۱/۸۹.
۳۹. الحر العاملی، محمد بن حسن، الفوائد الطوسیة، ۱۸۷-۱۶۳.
۴۰. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، ۱/۲۷۲.
۴۱. الفاضل اللنکرانی، محمد، مدخل التفسیر.
۴۲. بابایی، علی اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، ص/ ۸۰-۶۱.
۴۳. حوزه های مشترک فقه و تفسیر عبارتنداز: فضا شناسی تاریخی، دانش اصول مبادی کلام، عقل، دانش، الفاظ و... (فصلنامه پژوهش های قرآنی، ۴/۱۰۰)